



# جمهور افلاطون بیانیه سیاسی است

گفتگو با دکتر محمد خیمران

سیاسی پیاره موضع سلطنه فرماندهی شملتگان جو  
فرار گرفت از جله در اینجا این مردم سال ۱۹۷۲ بینتو  
موسومیتی و در این میان سال ۱۹۷۳ هیئت فرهنگ  
سیاستی را با نام مشترک خواهی ساخت که مرتک خلند  
که با این دلیل از همراه بود در جواہر آنرا با خود مزبور  
عذرخواهی نهادند اما خود مزبوری فرار گرفته  
در واقع آنها چنانچه نظرخواهی را با پیشگیری کردند که  
هر آن مناوره‌هایی شدند که معتقدند گذشتگاه را برای از جمله  
دستگیری دعاکنی بیرون و روم که هم زیست‌ساز  
حیطی طبیعتی شد که به موجب آن تولد شاهزاده قم و  
ملت مزبور موردن تأکید قرار گرفت در واقع این دلیل از  
نشیمن رئیسه تاریخی خود را در گذشتگاهی دور  
نهادند که گرد گویا زمان و مه منون و زیر تیمهای و روشنگری  
المان گوشید تا خداوندان اکبریه سویت اصل و  
از جله همس و پیغمبر را به عنوان هدایت خوش در  
جهت این دلیل از زیر کوکن هنر و هنرمندی که گیره در نظر گویند  
ایزمان و هزار لفظ لور هر تواند همچه خوبیت انسانی  
مددم و ساد و هم روح قوم افغان را طلبد تزییی  
می‌باشد ده سکله تیلهانی امالی به سر برست  
گویند از این مکنند از این عادی هنر روم و یونان که  
والشیان کند و بر اختیارات هنری و فرهنگی قوم ا manus  
پیغاید هنر منافق چون ساتریو و یونیل و هائوس  
دولابیان نیز در صور و کلم تهدید اماغه ایار در  
سال ۱۹۷۴ خشن نیز که مختصر فی مهم اعلام کرد که  
اکتسرس و سویسم به همین جهت از این عادی اهلان  
- باز کار نیز است این زیر گواهی نیز هم سر کوب هم  
عزیز پر بمیان هر منحط اتفاق کنم که مر سال ۱۹۷۷  
دوایات ضمن انتشار نهروست هنری های منحط که راه او  
آنرا نهود و دیگران را افاده کاری پوش خلاص کردند این  
نهروست آنها نهادست که هنری های مدرن انتها هنر افت  
قرم و بالطلیل گروهی های منحط را اینجا می کنند از  
جمهوری کوبی و کلستر اکتوسیم حکوم شدند  
این نهروست از ایل هری خواهی کلاسیکه موردن استایل باز از  
گرفته تدبیس گرفته باشند و فیصله کارهای  
بول کلتبیس مورده تقدیر اسلام شد و هر مندان

پیاوی حاکمه عمل کرد و دلست پدیده منعا که هنر است  
امن چهارچوبه کوتاه بوده تا قدرت حاکم سرتاپیان  
گند مسایش کند و آنرا احکام بخشد با ملاطه  
حاکم را شکوهست جلو مدد و چنگیزیان در دولتی  
در چهارچوبه موزائیک و لاترسون کند هزاری مثل هم  
فیلمان که نیز زین لشتن (Leni Riefenstahl)  
موسیقی هیرویزی برآورده مساخته بیشتر او واقعه های  
و ابهاماتی نایاب و غیرمی افزایی که از روایت های همراهی  
جهات قوم زم زنان از این شده بیشتر مکرر است پادشاه  
بلطفه هایی که از دشکوه و خلعت های سبز رحم مکنن  
رویه شوری شدیدی شد چشمکی به تایید نیزه های  
سلط پروتاخته شده است هنر فر جلسه های ساخته  
و قدرت نیز وجهه دیگری از این منفی بنت سوزن و  
می شود برای مثال نایابی معروف فریتس هیهکل  
خوازه کنیا (Erich Maria Remarque)  
در تایید و طنزبرداری انسانیان و اشتادن خشونت  
قوی حاکم شناسی شده است بالرین های رومارک (Erich Maria Remarque)  
ظاهرش هر چیزهای غربه هنگام محتدم کرد و این  
از برای مرد عزم داشتن چنگی العمل توهم کرد  
له است این گونه هنر را من توی هنر اشتراوس نمی بینید  
بهینه های از اشترافلایی با هر انتشاری نامیده می شد  
و برای بولفاره هنری بطور کالی بولهای ایرانی طرز  
بند اجنبیان است برای مثال فیلم معروف ال نور (El Noren)  
در آمریکا ایسا و اشترافلای گرفته وی عدلی های  
نائی از این سیاست های امور دسته اند فرار از داده است  
ها جن لشتن این یک در مملکت هایی خشم  
خرده می سانسته ای طبقاتی حاکم بر چشمکه اسری ریکان  
دویی خود را باخته هایی جالش گرفتند است برای مثال  
من یونان گفت اکثر اثراکسیه بوسیتی این مدن نهاد  
ایستادنی حاکمیت ایجاد نکنند گرفتند فریون بسته  
اکثر هنر مدن ایشان کلید، هنر را هیزی ای ای اتفاق  
اچتنهای شرط بدهی برای مثال جمیع دانشجویی  
مستعده ای اشترافلای ای اشترافلای را توی مزالی میرد

۵ کتر محمد خیران، استاد دوامهای کتر و کارشناسی ارشد فلسفه هنر استادی در این گفتگو پیشتر چندین نظری و تئوری کرد. از قریاطین هنر و سیاست را مورد پژوهش قرارداده است و از قریاطین بین نظریه هنر برای این هنر با اعرس سیاست را تجزیه و تحلیل من گذاشت وی متعدد است در دوران های تاریخی مختلف هنر مندان همراه با اعرس سیاست، آثار هنری پیش از گوناگون و متفاوت را اخلاق کردند.

### ۶

تلخی شما هنر سیاست چیست؟  
از لحاظ تئوری هنر سیاست صوره ای دیر باز ابراهیم از این طبقه نگاتنگ نهاده است که تهدیف تهدیف هایی که کهنه نشان، نثاره، نثاره ها و تهدیف هایی باشند که قدرت خود را باشند و اینها را از این طرزی پایان مساخته است. این از هرچهار چیزی، تهدیف بالاخان و پذیرش و پذیرش هدف هدف قدرت خود را باشند و اینها را از این طرزی نزدیک به غیرت است من تو زن گفت میباشد هنر و سیاست از دوران افلاطون هر قدر که شنید و چشم بروی - هنر را از چندی از میان سیاست چیزی بینهم و دهن  
جیغت قریاطین داد و مخصوص دفتر سیاست همچو دستوراتی از این رساله موقع و مقام هم را به لحاظ سیاست تبدیل کرده است از این زمان است که به سبیری این رساله بازیده گاه نظریه حاکم مود دربروی قرار گرفته است من تو زن گفتمندانه بیست، بلن هنر سیاست در طول تاریخ همراه موردهای گوناگونی بودند گرفته است من تو قیم این مناسب است را در چهار چوب کلی مدنظر قرار دهند، بحث است هنر و ادب و میتوانند آن را در مقابل است در پریل قدرت هایی که این رساله و مطلع من در این حیات و هم‌الاگری از قدرت های مدنظر قرار از همین و مدعی شن آن را در مقابل است در پریل قدرت هایی سلطنت و مطلع من کنیم اگر سیاست را به منی محدود نم - بهنی قدرت دولت و سازمان ها و اعزامی هایی میباشد - مدنظر قرار نمیگیرد هر چند این خدمت سیاسی

اسکندر پاتریوت (Platoon) اثر الیوی استون، همچو  
سرخ (Red Dawn) اثر جان هالیوس (1981)،  
راهن هدایت میتو (Easy Rider) و بیری رایلی (One Flew Over the Cuckoo's Nest) تأمین شده  
مأموریت نظام آمریکایی، و اداره مرض بروش ترسیمه  
گردیده و دشنمند از اینجا چشم عذرخواهی میگردند. سرکوب  
و غلبه میکنند که شورهای پیغمبر نیز فیلمهایی  
سیاسی نداشتند. قیامهای سپاهی راه  
من زبان به ۲۰۰۰ نفر تضمین کردند که این  
قیامت مصالح قدرتمند شدنده و بگزینه قیامهای  
که کاشتی هایی قدرتمند بر جای خواستند. میگفتند  
ایا نظریه اخراج شاعران از مدینه فاضله در  
قدیم شاهزاده ای افلاتون را میتوان سرآغاز دخالت  
بررسی اساسی در هنر دانست؟

طبق تحقیقاتی که در حال حاضر توسعه دلیل  
مولاک انجام شده است، اصل اثاثی استانای  
کنگانهای ایران که در میان اینها تورتوسال هاروس  
نمی باشد و نخستین شنبه مطالعات کلان‌سیک بیوان بود و  
پس از آن مطالعات هاروس را به عنوان ایستاد ممتاز  
پذیرفته اند و شنیده هاروس را در ایشان راهی عرویان ایستاد ممتاز  
استفاده کرد و «چهارپایه هاروس» نیکوپاره می‌باشد  
است به طور کلی تعبیر شنیده هاروس می‌باشد و هر مر  
این را به طور شنايد و علت اینکه افلاتون اشاره ندا  
دزد که شاعر این پاید از مده فاضله پیشرون برورند  
بین چهت پرده که وی من خواسته جامیه بیوانی را  
از فرهنگ شغلی به فرهنگ مکتب متحوال کند  
نمایلی فرهنگ شغلی را که شاعر پیش از اینجا  
کسری پرسند که فرهنگ سلطنتی را استینه می‌باشد  
به طور شغلی نقل می‌کردند که فرهنگ زبان ایوان

من شده و با گوش شنیده من شنیدست.  
و اهل اطوان توین فلسفی نمای کنم خواهد فرمد  
شفافی را به فرجه گسترش بپردازیم گند چون  
فلسفه یک قدر مکتوب است به دلیل اینکه نازمی  
که اقیانی شفافی است ملایت آن اسطوره‌ای است  
زیرا افراد چویزی که فقط در جاهنمه چالی بگرد لمس  
فلسفه ترسیت به دلیل اینکه همه گفتگوهای اینها و  
فرانجهای تاریخ حملی پک سوزمین جمع آوری  
شده و شاعر هم به زبان حملی آن را بین من گفت  
همان چیز که فردوسی نیز کلمه‌ای بنویسد است که  
فرجه گ حملی قبیل از خودش را مانتوب کرده و به  
شعر در آورده است اما اینجا این نیست که انشاعر  
همین فردوسی هر چهار منجهای می‌شناسند و صورت  
شفافی تقلیل می‌شوند چون آندر صادر مردم این  
سوزمین سواد خودشون داشتندند لاین روز انشاعر  
فردوسی توصیه نمای هزاره می‌دانستندند بهترین  
نقال های اهل اطوان فرجه گشته شده بودند  
هر چهار منجه اهل اطوان با گزش اشکنیار از چشمچه اینست خود  
نه که داریم فرجه گ شفافی همیشه باقی می‌ماند و  
هزجوقت مکتویش شود چون همه عاشق شعر

مشهد  
الشاعر فرنگ مام شفاف است و در فرهنگ‌هایی  
که گویا شفاف است به طور کلی قلچه ضمیب  
است؛ چون فلنگ در فرهنگ‌هایی پوشیده کند که  
پیوایدند صورت رساله و تکلیف‌های بودند و پیوایدند  
مسئل و قصایدی مربوط باشد چنان‌جذب‌بندی از آن  
صورت فردیست که این استدلال گذشتان شما اگر این  
می‌شنیدید، پس چندی بمناسبت خواستن خوب است آنها  
از این روزهای اقلام‌اطلاق در خصوص شکران که با  
آنها مخالفت کردند می‌گویند شرط‌های استدلال باشد مموزی  
شوند به خاطر این است که منظمهن اشعار نمایند  
فرهنگ شفافی چنانچه است و لومی خواهد بود این  
شفافی را از خوبی کند و فرنگ تأثیر سارا می‌خواهد  
به هر چیز ایجاد کند و بدایله بداند که همان‌جا  
که این جمله امریقی است والاطلسوں می‌خواهد  
ایندیلان رین چیزها و امظر کند از این روابط اینکو  
در نظام اقلام‌اطلاقی یک فرنگ، مکتبه‌بلت و گشی  
که کلکشان بر اساس فرنگ شفافی است. مثل  
شکران- از این جمله طریقی شنود و اسلات ام  
ظهویر فلنگ در نیشه اقلام‌اطلاق هم همین امر است  
چون می‌خواهد وجه تزمیتی از پیش‌نشوی و استدلال  
و اذر جمله‌های روحی دهد و آن وجه قلچه است و ظنه  
نمی‌باشد از اینجا مطالعه اینکه شکران  
گفت و گویی مهدی زاهدی

چجز علمی تولیدات هنری قلمداد شود به همین جهت این لکن معروف را به عنوان اثر هنری معرفی کرد هنرمندانه هنگری او را سیه چون کاربرد مالویج و الکترورود چنگو استثنای هنر را به چالش گرفته بودند و همین تدوین هنر پاپیز فریس آن بود تا امروز فرودهای علمی روزمره با این تقدیر ملهم می شد. با خالق موزه های هنری و لاره گندانه ای استثنای هنری و هنرمندانه ای هنر را منسخ و چنین تعبیه گرایی می شرکتند در میان ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۰ میانهای بینال و بینسی (Whitney Biennials) اثر هنری پاپیز کلی و ابداعی میباشد. میانهای بینال و بینسی چون خوبست هویت ملیت و جنسیت هنر این اثرا بر این داشته اند. از جمله حمله هایی که این انجمن به این اندیشه کشید، برآمد و می پرسید آمریکایی هم سوت و بدنوار است و پوشش شد و همچو اندکی در فرق نیست. با اینکه کلی می بینی کنند هنر ایالات متحده ای که اندیشه هنری ای هنر ای افکار کرد و در سراسر ایالات ای را مورد انتقاد قرار داد. این روزه ایجاد شعله هنری را به چالش گذاشت. این فتنه مذهبیم و زندگی است که بحیث گذاره هنر چنانچه نیست. هنر ایالات شعله کسانی چون فرم ایالتها و کلانپول و راهبردی طریق های هنر ای را زیسته با انتقادات انسان ای روشن و ایجاد ملسته هنری می شوند و هنر مذهبیم زیره ایجاد شعله های اسلی در برادر هنری و ای هنر محظوظ من شدند. چنگکار مسائل میابی می بوده و بیش از اینه شغلات میابی نظر هنرمندان را به خود جلب کرده است. بدینه و پیزه بعداز جنگ جهانی دوست و چندگاه ساله گشودمان، اتفاق و اقسام اثار هنری ایز قبیل فیلم، تئاتر، شعر و رمان تجسس تأثیر آن پذید آمدندند آیا

میان هنر  
در طول  
کسی ثوان  
لژیوب  
را را داده  
ن هنر در  
ز قدرت،  
ترد آن در  
در بر ایر  
سلطه چو

عوایض، جنگ جهانی اول و دوم، استاد پیغمبر مخصوص طرح  
چالداری و مهندسی سوده برخورده هستند از اعمال جنگ  
بودند است برای این مثال در ترکی بزرگترین پل پیغمبر مخصوص طرح  
جنگ جهانی دوم، بوسط سر لتون لندسیر لوتن  
**Sir Edwin Landseer Lutyen**  
جنگ سوم (Somme) به مردم نمایش گذاشتند  
شده بند هر ایران نیز ناشی هلاکت اسلام، تدبیح ها و  
از جنگ مخصوص متوجه، قاتمه جنگ و دلاوری های  
روزمند کار هر جنگ آغاز را به مردم نمایش  
گذاشتند هم در وقت همین روز و یک دیوار بزرگ ایرانی توی  
نمایی بر شمار المظہر ایرانی هر اتفاق نماید کرد  
در این میان، نقش فیلم و سینما به عنوان  
سیاست‌ترین اندازه‌نگاری چه بوده است؟  
لوپر زعم اینجا تجربه خود فلسفه‌ای ترتیب می‌نماید  
مه جانی عالمی، دارای یک عذری سیاسی بودنها  
باشد گفت در قرن پیشتر هو چند دوره سیاست‌ناک اکلا  
سیاست بوده است در دوران حاکمیت افراد و  
فلسفه‌سیاست در اسلام و این‌باشد سه فلسفه‌ای بودنها سیاست  
ذکر شده و در جمله، بوضواعت و سنانی بودنها سیاست  
و قدرت به صورت علنی، تحریم شده است برای  
مثل فلسفه‌ای سرگشی از انسانیان رویی یا جمله  
«کشته» که فیامی سراسر سبکی بوده از امریکا  
به صدران نعمتی توپ‌فیلهای سیاست‌مندان از  
عالی‌ترین اصلاحات (Top Gun)، افراد توپی

بدکار برده کنست سرانجام تویس فرانسوی - خرس  
۳. ۱۸-۱۹ با پسر رفت و با گوته شیلر و شلینک ملاقات  
کرد. لومون گوید من بار اینهون - یعنی از شاگردان  
شلینک - قرار گذاشتم که روابط کنم نوشته شد  
نیز بداناسی که تند مادر لوسٹ که شماره هنر برای  
هزار اخر تفسیر نقد سوم گذشت به کاربرده و مدعی  
است که یا تایپ آید ۲۴ صفحه نخوازی. نویس و سوم پایه هنر  
را از فلسفه اول و هم فلک غلچ درست به معین چهت  
نهایا کردن غایات علمی و اخلاقی در هنر چیزی  
جز خلط آگستر با عرضه هنرنس تواند بوده باشد  
کفت شماره هنر برای هنر روش هنر غرضی  
پس اینه طنز بودن و رهابودن هنر از هنر غرضی  
disinterestedness (هم هنر فرزندخون خوزدهم درس)  
و اندیس می کرده موسوم به فریلاندلسی (۱۸۱۸)  
دوین درس او نیز بزرگ از ایالات متحده ایالات متحده ایالات  
بندی تاکید کرد و گفت هنر باید از هنر گونه قید و شرط  
اخلاقی شخصی و عملی بدور باشد. این درس ویکتور  
کلن در ماحشگاه سورین نایبری به مادر لزرف بر اینجه  
روشن شکر از فرانسوی باشی کنایت تدبیر هنر  
یعنی هنر از معاف داشکنایی از طرق نوشتہ علی  
تو تغیل گویی و اثر او مدام از میان به مطلع جانمه  
فرانسه نسربی باقی است. شو گفت لرنز به همراه جوه مادنی  
به فایله نهیت و هر چیز سوخته ضرور تازی باید است  
زیر اینبارهای بشیری اکثر تئاترها و احتجاجات زیور و  
ناظر چون بدنا گوستاخوار و غیر شارل بولل و لستان  
مالارهه این اصطلاح اخیر اثراز جوده به کار گرفتند  
پس اندیشمندان بین اینها غیر از این اصطلاح  
استفاده کردند. کسانی چون استکلرولاند و والتر باری  
دو تحفیل زیبا از تعبیر مزبور

پهله جستند والتر پاتر (Walter Pater) اثر موسوم به چنیان (Paterian) ۱۸۶۸ میگفت خردمندی و بودی مدلرگاه و مولعه‌اندی و عشق به هنر لایلیده خاطر زیبایی و هنر تجلیل کرده زیرا که هنر و فنی به تو روی اس اورد که تو خود ره صرخت طلب، خواست از آن شش تباریان در بحث او هنر و زیبایی باشد خود را او لبرل علی و عملی فلارغ داشت در هنر نایدیه هنری غایبی افراسیوی هنر به چست‌تجویز برداشت چه بین کلوی غایبی فراسیوی ملکت هنری را به همچنان نذردهم می‌توان گفت دندر هنر هر ای هنریه تعمیری معلو شایطانی است که هفلاخ صفتی از پایه وجود اور هم‌بودن زیرا که هنر و تولد صفتی دو هنری هم که قدرت داشتند و باهم در تقابل بودند و در

نظر کسکانی چون پاکر اعلانی نجیب‌هتری را باید در  
تاخیل بازولیدنکو و آورنک و بطور کلی، کفر پست قرآن  
داند.  
مزروع‌مفر قلمرو نقدنومن (New Criticism) نیز  
نهنین تعبیر به عنوان زیر مجموعه نقد منظعر قرآن  
می‌گیرد. مصطلوب این پوادنست رامی نوان در ظهور  
قرآن‌السم و به طور کلی، دستاوردهای آن جستجو  
کرد کسکانی چون راجر فرای (Roger Fry) و کلیو  
بل (Clive Bell) و کلمت گرینبرگ (Clement Greenberg)  
هر سه گفته‌ند که نقد شیوه هنری  
معنی کار مصنفین یعنی تکلیف‌گیری مفهومی، مدلی و  
اشناختی است در این اقبال قرآن، نیز هنرمندان اول‌گذار  
گوشیدند تا در یکه هنر برای هنر را اسرار و چشم‌ها  
و اندیشه‌های هنری خود را فری خود را در خود و حقیقت خود را  
آنلر هنری مانیش در موزه هنرهای معاصر  
نیویورک به مععرض نمایش در آمد، هنرمندان معروف  
سلسله - الیور کلی (Ellsworth Kelly) - گفت  
مانیش به افسوس به هنر برای هنر اختقاد ندارد و این آنلر  
متلب هنر برداشت است.  
پدیده لست که در میان ادب‌شناسان و هنرمندان  
کلی روشنده که هنر برای هنر را به چالش گرفته‌اند  
تو چندله ملک‌موسی دوشنل با اخراج بر ساخته‌های حاضر و  
لشاده خود گوشید تا شناسن هنر برای هنر را به معرفه  
گیرد. رویویه که ثابت کرد هنر چیزی حقیقت پست قرآن

نوبه شد که آین شکاره را هندود قالب‌نمایی  
هنری خود فریز هندو، کسی از این‌لوگهای هنری  
معروف (موسیقی MOSSCI) اعلام کرد که قیام با پادشاه  
شهرستانی غلظ پاسخ‌دهنده هنر پریوری را تاکید گشت  
بر ازدواج قوم زرین با پاکتگر و نشانیل خواهاد و  
پاکتگری و پریوری کاری و نشانه‌دانش و در اندر  
هنری نهضت و پریوری زندگانی هنر لوحه هنرهای  
هنرمند فریز گردید  
والتر پنهانین - فلسفه‌الفنی - ارتقا هنر  
نویریستی (Futurism) را افلاطونیسم اینتا مورد  
بررسی فردا کند و در «آخر هنری در سر برآورده»  
مکاتکی؟ مسائل مهم هنر فناگری و آینده‌جهی  
بر از حقیقت تحلیل کرد چنانست  
پی‌نظر میرسد هنر برای هنر دیگر منسوج  
شده و هنر مندانه، آثار هنری خود را به منظور  
بيان ترازها و دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و  
سیاسی ابراز می‌کنند به تصریح شهادای امروز شه  
درجه دلایل و عواملی دارد؟

مان گوته که قبل از ششم میکی او مهمندین  
کشانی که هنر برای هنر را بجهی حقیق تحلیل  
اگرده و انتہایی است لورا هنری در صدر  
برترین مکتبکس (۱۹۲۷) از مشاهدی مبتنی بر  
شعل هنر برای هنر امروزی گرده و ان را در پرلمون  
لئکاره هنر معنوی و سیله نهاده باش - و پستور کانی  
هنر هایی خش و متمدد افر قلمروی سیاست و سفر  
هنرها داشت و اشکانی کرد هاست به گفته او نظام  
نشستنی از روی کوشیده کا سیاست را در پایان شایان  
این های جمیع و فردی خالص و بخصوص شمارهای  
جنبه هنری، پنهان کنند و اشکانی، فاش میشوند  
درین آن بود نالریش های سرمدی و جلوهه از جمله  
و جذبه کلیک و نالریش های فلکی قویاً ولی، بالا و بالا  
نفسه هنر قدر و دهکار این مکتبکن هر گونه مخالفت  
و ترقه سیاسی اجتماعی غافلی آید و مسن تلید  
سرمایه هنری به سیک فلکی سرمدی و تعامل ایندوکلوری  
هنری حاکم بر هر گونه سرمه و فلکی علیه نظام فاقن  
ایدیده هیمن دلیل بینایمن تقریب کنند سرافت طبع و  
و ترجیحی خود خواسته و پهلوپر کلی حرکت قفل هنری  
رامرد تایید فرازداد

لو هر گونه آینه که که برای هنری و دفع هنری  
از روزگار کهن خبر را اسرور ناتکید فری ندایه همین  
جهت بود که ملکه همچنانکه همچنانکه همچنانکه همین  
همه هنر از هنرها که از هنرها میگشند همچنانکه همین  
فتشیم و آینه هر گونه سرمه و دلیل اعلام کرد و این از شد  
که وظیفه منظکن و هنر مندل منظری، نه و چالش  
در برخی هر گونه از کاره نهستانیک مبتنی بر وحدت  
لو گلکس و سرمدی از نالریش های هنری است بمنظار  
لو چالمه مضمون ناخنی پویا بانده و پویا کابوست  
نهستانی نیز توکل نظرخواست که اشکانی های ناشی از این  
نهستانی از لفاظی ای و جذبه ای کلیک کلیت و چالمعت

امراضی مغلوب در  
پس هنر برای هنرچه توجیهی می باشد؟  
شماره هنربرای هنرخوشناسیان یاری سوی مردمتکه های  
فرانسوی به کار رفته مشتمل مزبور می گوید این  
برداشت که هنر را باید در پرتو ماضی و معاصر های  
اختالی و مذهبی ثبت نمایی کرد. اسلام رهایات  
طریق اسلام این شماره است بدین معنا که هنر دلایل  
گستره موسایخانم به ذات است  
دو اتفاق و ملتفتکه های طراحی این شماره کوشیدند  
تا چنین نوکلاسیک را به چالش گیرانند از زیر امر  
عقلنم و کلام سیک ناکید اصلی بر معرفت و ایجاد اختلاف  
علی خبر و مذهبی هنر قرار می گیرد. شماره سویری ای  
هر چه میورت افرادی خود را این یا بون تاکید دارد که  
هنر اساس توان پذیرا کنی فایده میور منظر قرار دارد  
و هنر کلی جز افاذ زیبایی نباید انتظار داشت بلکه  
نکمل هزمند را برای ساخت تابلوهای بدستگردنهای  
ست قدر خود را نمایش دهد